

درس چهارم

فعل

تعریف فعل: «کلمه ای است که انجام گرفتن یا پذیرفتن کار یا داشتن حالتی را در زمان گذشته، حال، آینده بیان می کند.»

فعل اصلی ترین بخش جمله و محور معنایی آن است که معمولاً در آخر جمله می آید و برخلاف کلمه های دیگر صرف می شود. در فعل، مفهوم شخص نیز وجود دارد. مفهوم شخص یعنی اینکه گوینده فعل رابه خود نسبت می دهد.

(۱) اگر گوینده فعل رابه خود نسبت دهد، آن را اول شخص یا متکلم می گویند

مانند فعل:

پوشیدم یعنی من پوشیدم و عمل پوشیدن رابه خود نسبت داده است.

(۲) اگر گوینده فعل رابه مخاطب یعنی به طرف صحبت خود نسبت دهد، دوم شخص یا شنونده یا مخاطب است .

مانند فعل:

نوشته بودی یعنی تو نوشته بودی و عمل نوشتن رابه فرد مخاطب خود نسبت می دهد.

(۳) اگر گوینده فعل رابه فرد دیگری نسبت دهد، آن سوم شخص یا شخص غایب است که حضور ندارد. مانند فعل:

گفته است یعنی او گفته است و عمل گفتن را شخص غایب که حضور ندارد نسبت داده شده است.

❖ اسم

تعریف اسم: «کلمه ای است که می توان آن را جمع بست و برای نامیدن کسی یا چیزی به کار می رود و می توان امری رابه آن نسبت داد. اسم یکی از اجزای تشکیل دهنده جمله است.»
مانند:

نفت مایعی سیاه رنگ است ← «نفت» اسم است.

اسم در دیگر بخش های جمله می آید و نقش های مختلفی را می پذیرد. یعنی اینکه نقش های «مفعول و متمم» نیز می توانند اسم باشند.

نکته: فعل در جایگاه فعلی خود قرار می گیرد و هیچ نقشی را نمی پذیرد. اما اسم در بخشهای دیگر جمله نیز می تواند نقش پذیرد.
مانند:

یلدا به تولد دوستش دعوت شد. «یلدا» اسم است.

گلدان را روی طاقچه گذاشتم. «گلدان را» در واقع **مفعول** است اما در اینجا نقش اسم را هم می گیرد.

از سفر اصفهان خاطرات زیادی دارم. «از سفر اصفهان» نقشش **متمم** است اما در اینجا نقش اسم را دارد.

نمونه سؤال

- (۱) فعل ها را در جملات زیر پیدا کنید
(۱) سپیده در آسمان نمایان گشت.
(۲) موسیقی باد و آواز بلبلان درختان بیدر ابره رقص آوردند.
(۳) دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد.
(۴) مادران دلسوز فرزندان شان هستند.
- (۲) اسم را در جملات زیر مشخص کنید.
(۱) مردم رستم را پهلوان می دانستند.
(۲) باروی باز از مردم استقبال می کرد.
(۳) مادر را برای آرامش دلش بهانه کرده بود.
(۴) بچه ها مشغول خاک بازی بودند.
(۵) از زندگی فاصله گرفت.
(۶) به سرعت کودک را به بیمارستان رسانید.
(۷) خدا را در وجودت پیدا کن.
(۸) پروانه ها پیلۀ خود را پاره می کنند.

درس چهارم

۱ - فعل ها :

(۱) گشت: فعل

(۲) آورند: فعل

(۳) نیامد: فعل

(۴) هستند: فعل

فعل ها :

(۱) گشت: فعل

(۲) آورند: فعل

(۳) نیامد: فعل

(۴) هستند: فعل

(۲) اسم ها :

(۱) مردم: اسم

(۲) روی باز: اسم (باروی باز: در واقع متمم است، امّ در اینجانش اسم را گرفته است)

(۳) مادر: اسم (مادر مفعول است، امّ در اینجانش اسم را دارد)

(۴) بیچّه ها: اسم

(۵) زندگی: اسم (زندگی متمم است امّ در اینجانش اسم را می پذیرد)

(۶) سرعت: اسم (سرعت متمم است امّ در اینجانش اسم را می پذیرد)

(۷) خدا: اسم (خدا مفعول است امّ در اینجانش اسم را می پذیرد)

(۸) پروانه ها: اسم